

شناخت خدای یگانه در ادیان ابتدایی

عبدالرحیم سلیمانی*

DOI: 10.22096/ek.2024.1973379.1478

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲]

چکیده

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم محققانی در غرب که تحت تأثیر جهان‌بینی عصر روشنگری بودند و اعتقاد داشتند که علت هر حادثه‌ای را می‌توان در همین طبیعت یافت، سراغ ادیان ابتدایی موجود رفتند تا با مطالعه آنها منشأ زمینی دین را پیدا کنند. آنان اموری مانند آنیمیسیم، فتیش‌پرستی، اعتقاد به مانا و توتم‌پرستی را اصول مشترک ادیان ابتدایی موجود یافتند و هر یک از آنان، یکی از این امور را سرآغاز دین اعلام کردند؛ اما به خاطر جهان‌بینی خاص خود عمداً یا سهواً این را نادیده گرفتند که اعتقاد به خدای یگانه بیش از هر چیز دیگر در میان اقوام ابتدایی شیوع دارد و بنابراین منشأ دین و سرآغاز آن می‌تواند یگانه‌پرستی باشد. این نظریه‌ای بود که در همان زمان، توسط کشیش مسیحی ویلهلم اشمیت ارائه شد، اما مورد بی‌توجهی قرار گرفت. در گزارش‌هایی که مردم‌شناسان غربی از این ادیان داده‌اند می‌توان شواهد زیادی به سود نظریه اشمیت برداشت کرد.

واژگان کلیدی: ادیان ابتدایی؛ یگانه‌پرستی؛ شناخت؛ ادیان.

۱. مقدمه

در دوره‌ای که حدوداً قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم را در برمی‌گیرد، برخی محققان غربی با هدفی خاص، ادیان ابتدایی موجود در جهان را مورد مطالعه قرار داده به نتایجی رسیده‌اند. مقصود از ادیان ابتدایی، ادیانی هستند که سه ویژگی دارند: ۱. متعلق به جوامع بدوی و فاقد تمدن هستند. ۲. در این ادیان، عموماً مظاهر طبیعت مورد توجه است. ۳. از ساختاری پیچیده برخوردار نیستند و آموزه‌ها و اعمال آنها بسیط و ساده است. در مقابل اینها، ادیان پیشرفته قرار دارند که در هر سه ویژگی، درست در طرف مقابل قرار دارند.

ادیان ابتدایی، امروزه در بخش‌هایی از جهان موجودند و در قرن نوزدهم در همین مناطق به صورتی دست‌نخورده‌تر موجود بودند. این ادیان در میان بومیان استرالیا و دو مجمع‌الجزایر ملانزی و پلینزی و نیز در میان قبایل آفریقا و اسکیموهای قطب شمال و سرخ‌پوستان قاره آمریکا و برخی از نقاط دیگر جهان دیده می‌شوند.

یکی از ویژگی‌های این ادیان، همان‌طور که اشاره شد، این است که متعلق به جوامع و اقوام بدوی هستند. نوع زندگی این اقوام از هزاران سال پیش تاکنون تغییری نکرده و در واقع امروزه در عصر نوسنگی یا نزدیک به آن زندگی می‌کنند. بنابراین، فرهنگ و آداب و رسوم آنان، بسیار شبیه انسان‌های اولیه است. این امر از این جهت برای کسانی که در قرن نوزدهم، اقوام ابتدایی و ادیان آنان را مورد مطالعه قرار دادند، مهم بود که به گمان آنان چگونگی دین را در انسان اولیه نشان می‌داد.^۱

نکته مهم درباره این محققان جدید، جهان‌بینی خاص آنان بود. اینان در فضای فکری عصر روشنگری مغرب‌زمین قرار داشتند و در واقع جهان‌بینی آنان یک جهان‌بینی مبتنی بر علوم تجربی بود. اساس دین و دینداری، حتی در ساده‌ترین نوع آن، وجود ماوراء و ارتباط با آن است. اما در جهان‌بینی حاکم بر عصر روشنگری، طبیعت و جهان ماده، خودکفا و مستقل و بی‌نیاز بود. در این جهان‌بینی، از یک طرف همه پدیده‌ها و رخدادهای جهان طبیعت به‌وسیله پدیده‌های دیگر همین جهان، قابل تبیین است و هرگز برای تبیین پدیده‌ای نیاز به در نظر گرفتن وجود یا تأثیر امری ماورایی نیست و از طرف دیگر، هیچ پدیده و رخداد مستقلی که بریده از دیگر پدیده‌ها باشد وجود ندارد و هر پدیده‌ای، از پدیده‌های دیگر تأثیر پذیرفته و

1. Lewis Moore Hopfe, *Religions of the World* (New York: Macmillan publishing Company, 1983), 5; Ninian Smart, *The World's Religions* (London: Cambridge university press, 1998), 48.

معلول آنهاست و در آنها تأثیر می‌گذارد و علت آنهاست.^۲

مطابق این جهان‌بینی و نگاه، اساس و پایهٔ دین نمی‌تواند آن‌گونه که خود متدینان اعتقاد دارند باشد؛ چراکه آنان اساس دین را ارتباط با ماورا می‌دانند. اما این محققان از زاویه‌ای دیگر به دین نگاه می‌کردند و آن را مانند دیگر پدیده‌های طبیعی و زمینی می‌دانستند و معتقد بودند که از همین زمین و طبیعت و نه از آسمان، نشئت گرفته و در نتیجه مانند سایر جنبه‌های زندگی انسان به طور طبیعی، سیری تکاملی را از شکلی کاملاً ابتدایی آغاز کرده متناسب با رشد فکری و عقلی انسان، به صورت ادیان پیشرفته درآمده است. پیدایش ادیان پیشرفته توحیدی نتیجه تکامل طبیعی شکلی ابتدایی و شرک‌آلود از دین است.

۲. مطالعه ادیان ابتدایی برای یافتن منشأ دین

به هر حال این محققان با این جهان‌بینی و پیش‌فرض، ادیان ابتدایی را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. همان‌طور که اشاره شد در این ادیان و میان این اقوام، توجه به مظاهر طبیعت برجستگی دارد. لازمه این سخن تنوع و تکثر ادیان ابتدایی است؛ چراکه مظاهر طبیعت مانند کوه، دریا، رودخانه و... در مناطق مختلف، متفاوت است و هر قبیله با مظاهری متفاوت تماس دارد. پس این ادیان، به‌ظاهر بسیار متنوع و گوناگون‌اند. اما این محققان در پشت این تنوع و تکثر، اعتقادات و اعمالی را یافته‌اند که به‌گونه‌ای در میان همه این اقوام، سریان و جریان دارد. اینان می‌گویند اقوام ابتدایی به یک نیروی مخفی در طبیعت قائل هستند که در برخی از اشخاص یا اشیاء این نیرو بیشتر است و می‌تواند تأثیری منفی یا مثبت در زندگی انسان داشته باشد. محققان این نیرو را «مانا» می‌نامند که واژه‌ای محلی، برگرفته از زبان ملانزیایی است.^۳

اما این نیرو را چگونه می‌توان به استخدام درآورد؟ راه شایع در میان اقوام ابتدایی برای استخدام آن «سحر و جادو» است و این، دومین امر مشترک میان این اقوام است. اما سحر و جادو صرفاً برای استخدام نیروی مانا کارایی ندارد و نوع دیگر آن برای درمان بیماری است. از آنجاکه این اقوام قائل به ارواحی هستند که در انسان وارد شده او را بیمار می‌کنند، نوعی جادو-پزشکی یا «شمنیسم» در میان این اقوام رواج دارد. این سومین امر شایع در میان ادیان

۲. محمد مجتهد شبستری، هرمنوتیک، کتاب و سنت (تهران: طرح نو، ۱۳۷۵)، ۱۶۱-۱۶۳؛ عبدالکریم سروش و دیگران، «سکولاریسم»، در: سنت و سکولاریسم (تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۱)، ۸۹.

۳. جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰)، ۱۴.

و اقوام ابتدایی است.^۴

نیروی مانا در اشیاء عجیب مانند تکه سنگ یا چوبی که شکل پرنده یا حیوانی دیگر است، بیشتر وجود دارد و این شیء می‌تواند در مواقعی به یاری انسان بیاید. انسان ابتدایی، آن را همراه خود برده و با آن برخوردی خاص دارد. این شیء، «فتیش» نام دارد و فتیش‌پرستی، چهارمین امر رایج در میان اقوام ابتدایی است.^۵

این اقوام اعتقاد دارند که برخی از اشیاء، اشخاص یا اماکن، حالتی خاص دارند که نزدیکی، نگاه یا لمس آنها می‌تواند برای انسان بسیار زیان‌بار باشد. چنین اشیایی «تابو» به معنای منهی و حرام خوانده می‌شوند. کسی که به آن نزدیک شود یا لمسش کند تنها با «آیین تطهیر و کفاره» می‌تواند از آلودگی آن نجات پیدا کند. «تابو» و «تطهیر و کفاره» دو امر مشترک میان این اقوام هستند.^۶

هفتمین مورد، «توتم» و «توتم‌پرستی» است. اقوام ابتدایی گونه‌ای ارتباط بین قبیله خود و حیوان یا گیاهی خاص قائل هستند و آن را نیای قبیله خود می‌دانند و برخوردی خاص با آن دارند.^۷

آنان قائل به روح‌داری و جان‌داری طبیعت هستند و هر یک از مظاهر طبیعت را دارای روحی خاص و در نتیجه آن را یک شخص می‌دانند که می‌تواند خشمگین یا شادمان شود و به انسان کمک کند یا به او صدمه برساند. این اندیشه، «آنیمیسم» خوانده می‌شود. اما چگونه می‌توان این اشخاص را شادمان کرد یا از خشمشان فروکاست؟ «آیین قربانی» و پیشکش هدایا، برای جلب رضایت این اشخاص است. پس آنیمیسم و آیین قربانی نیز در میان این اقوام شیوع دارد.^۸

۴. ناس، تاریخ جامع ادیان، ۱۵-۱۷؛ فیلیسین شاله، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه دکتر منوچهر خدایار محبی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶)، ۲۹؛

Smart, *The World's Religions*, 36.

۵. ناس، تاریخ جامع ادیان، ۱۵؛

Mircea Eliade (ed.), *The Encyclopedia of Religion*, Vol. 5 (New York: Macmillan Publishing Company, 1987), 314; Hopfe, *Religions of the World*, 24.

۶. ناس، تاریخ جامع ادیان، ۱۸؛

Hopfe, *Religions of the World*, 25-26; Smart, *The World's Religions*, 34-35.

۷. ناس، تاریخ جامع ادیان، ۲۶-۲۷؛

Smart, *The World's Religions*, 35.

8. Eliade, *The Encyclopedia of Religion*, Vol. 1, 29; Hopfe, *Religions of the World*, 22-23.

امر دیگر، توجه به ارواح نیاکان است که آنان معتقدند نیاکان می‌توانند پس از مرگ، به انسان کمک کنند یا به او صدمه برسانند و مراسمی خاص، برای این ارواح در میان آنان وجود دارد.^۹

امور ده‌گانه فوق را از مشترکات ادیان ابتدایی شمرده‌اند. اما آیا امر دیگری وجود ندارد که در میان اقوام و ادیان ابتدایی شیوع داشته باشد؟ این پرسش از این جهت مهم است که هر یک از محققان، دست روی یکی از این امور مشترک، گذاشته و آن را به‌عنوان سرآغاز دین معرفی کرده‌اند. برای مثال برخی انگشت روی نیروی مانا گذاشته‌اند یا سحر و جادو را سرآغاز دین دانسته‌اند. عده‌ای به آنیمیزم اشاره کرده و بعضی توت‌پرستی را دین نخستین بشر به حساب آورده‌اند و... معنا و مفهوم همه این نظریات آن است که دین، از شکلی بسیار ابتدایی و زمینی آغاز شده است و نتیجه تکامل طبیعی آن، ادیان پیشرفته کنونی است.^{۱۰} اما آیا این محققان ادیان ابتدایی را درست دیده‌اند؟ آیا آنان به خاطر جهان‌بینی و پیش‌فرض خود عمداً یا سهواً از برخی امور چشم‌پوشی نکرده‌اند؟ این پرسشی است که ما در پی پاسخ به آنیم. به نظر می‌رسد امر دیگری که بیش از اموری که نام برده شد، به‌گونه‌ای در همین ادیان ابتدایی شیوع داشته و دارد، گونه‌ای توجه به موجودی برتر و یگانه است. در همان قرن نوزدهم، کشیش مسیحی به نام «ویلهم اشمیت» گفت که در ورای این ظاهر شرک‌آلود، در ادیان ابتدایی نوعی توحید و اعتقاد به خدای برتر و یگانه وجود دارد. او برخلاف نظریات دیگر، سیر از توحید به شرک را مطرح کرد. در این نوشتار در پی این نیستیم که بگوییم در ادیان ابتدایی موجود، یگانه‌پرستی کامل وجود دارد، بلکه می‌خواهیم بگوییم در ورای این دینداری ابتدایی و شرک‌آلود، نوعی توجه به خدای برتر در میان آنان شیوع دارد و این امری است که محققان جدید از آن چشم‌پوشی کرده‌اند و نظریات آنان را در باب منشأ دین به هم می‌ریزد.

۳. خدای برتر و یگانه در ادیان ابتدایی موجود

ادیان ابتدایی عمدتاً در سه منطقه از جهان می‌زیسته‌اند که در اینجا نشان خواهیم داد در همه آنها اعتقاد به خدای برتر و یگانه وجود داشته است:

۳.۱ خدای برتر در میان بومیان آفریقا

اعتقاد به خدایی برتر که خالق جهان و انسان است در میان اقوام آفریقایی، بسیار رواج داشته

۹. ناس، تاریخ جامع ادیان، ۲۴؛

Hopfe, *Religions of the World*, 30.

۱۰. دانیل پالس، هفت نظریه در باب دین، ترجمه محمدعزیز بختیاری (قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵)، ۳۹-۱۸۸.

است. با اینکه اکثر این مردم در زندگی روزمره، خدایان متعدد را می‌پرستند، معتقدند که در ورای همه این خدایان و ارواح کوچک‌تر، خدایی برتر و متعالی وجود دارد.^{۱۱} هرچند این خدای برتر در قبایل مختلف، با نام‌های متنوعی خوانده می‌شود، اصل مفهوم خدای برتر یا موجود متعالی که آفریننده و نگهدارنده جهان است، برای اکثر مردم آفریقا مفهومی بدیهی است. او موجودی قائم‌به‌ذات است که سرنوشت انسان را در دست دارد؛ در همه‌جا حاضر است؛ قادر مطلق است؛ عادل، مهربان و خیرخواه است. او پدر، مادر و دوست خوانده می‌شود^{۱۲} و در سرود یکی از قبایل آفریقا این‌گونه توصیف شده است:

«در آغاز خدا بود؛ امروز خدا هست؛ فردا خدا خواهد بود؛ چه کسی می‌تواند تصویری از خدا بسازد؟ او که دارای بدن نیست؛ او همچون کلمه‌ای است که از دهان تو بیرون می‌آید؛ آن کلمه دیگر وجود ندارد؛ اکنون گذشته است، ولی هنوز زنده است! خدا چنین است».^{۱۳}

این خدا گاهی در اساطیر آفریقا ویژگی‌های انسانی دارد و برای او صورت و دست و پا تصویر می‌شود، اما بی‌شکل است و در وصف نمی‌گنجد و در معبد جا نمی‌گیرد. موجود مجردی است که علت همه چیزهاست و خدای مهربانی است که مواظب انسان‌هاست و خدای قادری است که پاسدار و جان‌بخش همه چیز است؛ هر چیزی را می‌داند و می‌بیند و آنچه بخواهد انجام می‌دهد. عادل و داور نهایی است؛ نیکی را پاداش و بدی را کیفر می‌دهد؛ نه تنها آفریننده همه چیز است، برپادارنده مراسم همه مردمان، برپادارنده مزارع، استوارکننده کوه‌ها، جاری‌سازنده رودها و رویاننده درختان و گیاهان است؛ حتی لانه مورچگان را او می‌سازد و شکل‌دهنده هر چیزی است. او پدر و مادر انسان‌ها و حیوانات خوانده شده است و در برخی داستان‌ها حسن از تولدش آمده یا موجودی دوجنسی شمرده شده، اما موجودی ازلی است که غالباً از زاده‌نشدن او سخن می‌رود. در برخی داستان‌ها به شکل انسان تصویر می‌شود، ولی جنس ندارد. از او با نام‌های دم‌بخش، روح‌بخش، قالب‌ساز، خدای سرنوشت، نازل‌کننده باران، نوردهنده به خورشید، جابه‌جاکننده فصول، فروزاننده آتش، سرآغاز روزها، بی‌کران... یاد می‌شود.^{۱۴}

در بسیاری از ادیان بومی آفریقا این خدای برتر که آفریننده جهان است در فاصله‌ای دور از آن

۱۱. نینیان اسمارت، تجربه دینی بشر، ترجمه مرتضی گودرزی، جلد ۱ (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ۹۶-۹۷؛

Hopfe, *Religions of the World*, 61.

۱۲. Solomon Alexander Nigosian, *World Faiths* (Bedford: St. Martin's, 1994), 39.

۱۳. عظیم ناجی، «ادیان آفریقایی»، در: جهان مذهبی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، جلد ۱ (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴)، ۹۹.

۱۴. جنوفری پاریندر، اساطیر آفریقا، ترجمه باجلان فرخی (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴)، ۲۲-۲۴.

قرار دارد و در فعالیت عادی آن دخالت نمی‌کند.^{۱۵} برخی بر آنند که چنین باوری باعث شده که در آفریقا معابد پرستش این خدای برتر اندک باشد؛ اما وقتی از پیران آفریقایی در این باره پرسیده می‌شود، پاسخ می‌دهند که خدای برتر، بزرگ‌تر از آن است که در خانه‌ای بگنجد.^{۱۶}

به هر حال از آنجاکه بومیان آفریقا به آنیمیسیم یا روح‌داری طبیعت قائلند، قائل به خدایان متعدد طبیعی هستند و آنها را می‌پرستند.^{۱۷} این خدایان کوچک‌تر، سلسله‌مراتب رسولان یا حلقه‌های واسطه بین جهان مادی و روحانی هستند و هر یک بر بخشی از زندگی انسان یا طبیعت حاکمیت دارند؛ اما استقلالی ندارند و قدرت خود را از خدای برتر کسب می‌کنند.^{۱۸}

بومیان آفریقا روایت‌های متنوعی از ماجرای خلقت جهان و انسان دارند که بیشتر با زبان اسطوره بیان شده است؛ اما در همه آنها آن موجود برتر و متعالی نقش اصلی را دارد؛ هر چند در برخی روایت‌ها امور جزئی خلقت، به خدایان پایین‌تر واگذار شده است.^{۱۹}

پس باید نتیجه بگیریم که اعتقاد به خدای برتر و یگانه که ازلی و ابدی است، قائم‌به‌ذات است و جهان را خلق کرده، اعتقادی بسیار رایج در میان بومیان آفریقا بوده است. همین امر باعث شده که برخی انسان‌شناسان بگویند ادیان آفریقایی در اصل، توحیدی بوده‌اند.^{۲۰}

۳.۲ خدای برتر، در میان بومیان قاره آمریکا

در قاره آمریکا بومیانی زندگی می‌کرده‌اند که ادیان آنان از نوع ادیان ابتدایی به حساب آمده است. اسکیموها که در شمال این قاره و سرخ‌پوستان که در مرکز و جنوب این قاره می‌زیسته‌اند، ادیانی داشته‌اند که به ظاهر شرک‌آلود بوده است. با این حال اعتقاد به یک خدای برتر و بالاتر، در بسیاری از ادیان بومی آمریکا دیده می‌شود. نقش این خدا در زندگی اقوام مختلف متفاوت است، اما اصل آن از عناصر مهم و برجسته نظام اعتقادی بسیاری از قبایل است.^{۲۱} از او در برخی از باورها به خدای سازنده جهان، اهلی‌کننده، استاد انسان‌ها،

15. Hopfe, *Religions of the World*, 61.

۱۶. پاریندر، *اساطیر آفریقا*، ۲۲.

17. Hopfe, *Religions of the World*, 63; Solomon Alexander Nigosian, *World Religions* (Bedford: St. Martin's, 2000), 367.

۱۸. ناجی، *جهان مذهب*، ۹۹.

۱۹. ناجی، *جهان مذهب*، ۹۳-۹۴؛ پاریندر، *اساطیر آفریقا*، ۲۴-۲۶.

Hopfe, *Religions of the World*, 91-92.

20. Hopfe, *Religions of the World*, 61.

۲۱. کنت دل‌رهاید، «ادیان بومی آمریکا»، در: *جهان مذهب*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، جلد ۱ (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴)، ۴۳.

Nigosian, *World Religions*, 387.

قهرمان فرهنگی یا جد قوم و قبیله که به انسان‌ها اصول کشاورزی، شکار و ماهیگیری می‌آموزد، یاد می‌شود. در برخی از این قبایل، وجود یکی خدای برتر که بر خدایان کوچک‌تر حکومت می‌کند، باور غالب است. این خدا به شکل انسان، تصویر می‌شود و گاه کوتاه و گاه بلندقد و گاه جوان و گاه پیر است، اما موجودی ازلی است.^{۲۲}

شیوه‌های معرفی، تصدیق و تعظیم این خدای والا مرتبه از یک قبیله تا قبیله دیگر فرق می‌کند. در برخی، تنها در آیین‌هایی خاص از او یاد می‌شود و در دیگر مراحل زندگی مورد مراجعه و توجه قرار نمی‌گیرد. در عده‌ای دیگر او یک راز بزرگ و ناشناختنی است و فردی است که انسان را نظاره می‌کند و از اعمالش راضی یا ناراضی می‌شود و رضایت و مساعدت او را می‌توان از طریق اعمال، به دست آورد. او پیام خود را از طریق پیام‌آورانی، به سوی مردم می‌فرستد.^{۲۳}

در اساطیر بومیان آمریکا دو نوع داستان درباره خلقت وجود دارد. در یکی جهان، از دل یک آشفستگی بیرون می‌آید و در دیگری جهان از تقابل بین نیروهای خیر و شر شکل می‌گیرد؛ اما در هر دو داستان، سخن از فردی قدرتمند است که همه‌چیز به او برمی‌گردد.^{۲۴} برای نمونه در اسطوره‌ای از نوع اول آمده است که: در ابتدا سرتاسر زمین را آب فراگرفته بود. «پیرمردی که همه کار انجام می‌داد»، روی آب سرگردان بود. او از قدری گل ولای، آسمان، گیاهان، درختان، حیوانات و سرانجام انسان را به وجود آورد. در اسطوره‌ای از نوع دوم آمده است که عروس «رئیس آسمان‌ها»، از بهشت پایین افتاده، بر پشت یک لاک‌پشت قرار گرفت که این امر باعث پیدایش زمین شد. سپس این نوعروس به وسیله باد حامله شد و یک دوقلو به دنیا آورد که این دوقلوها همه‌چیز را خلق کردند؛ یکی، چیزهای خیر و خوب را آفرید و دیگری امور شر و ناخوشایند را. روح خیر و نیکی نمی‌توانست همه شرور را از بین ببرد، اما بسیاری از شرارت‌های برادر را اصلاح کرد، به گونه‌ای که امروزه در جهان، خیر بر شر غلبه دارد.^{۲۵}

در اسطوره‌ای دیگر آمده است که «کردگار ازل»، زمین را از یک زن به وجود آورد و او را مادر همه مردم قرار داد. «کردگار ازل»، مقداری گوشت زمین (گل) را برداشت و از آنها حیوانات و از آخرین باقی‌مانده آن، نیاکان انسان را آفرید. او تکه‌ای گل را چند بار سایید و ورز

۲۲. ترسیلا گات‌نوشانو، *آموزن، اساطیر و افسانه‌ها*، ترجمه سیروس شاملو (تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۷)، ۹۲-۹۴.

۲۳. دلرهاید، *جهان منهدبی*، ۴۳-۴۴.

24. Nigolian, *World Religions*, 391.

۲۵. دلرهاید، *جهان منهدبی*، ۴۰-۴۲.

داد و به شکل سرخ‌پوستان درآورد و بر آنها دمید تا جان گرفتند. او، آدم و حیوانات را نر و ماده آفرید تا بتوانند با یکدیگر بیامیزند و زادوولد کنند. بدین گونه همه زندگان از زمین پدید آمدند.^{۲۶}

پس باید نتیجه بگیریم که در میان بومیان آمریکا نیز سخن از یک موجود برتر و متعالی است که منشأ هستی است. درباره او و خلقت جهان و انسان، به زبان اسطوره سخن گفته شده و اگرچه در میان این بومیان نیز سخن از خدایان و نیروهای پایین‌تر وجود دارد، اصل وجود یک خدای برتر و متعالی، مورد قبول آنان است و اعتقاد رایج در میان آنان بوده است.

۳.۳ خدای برتر در میان بومیان اقیانوس آرام

در اقیانوس آرام، غیر از قاره استرالیا، دو مجمع‌الجزایر به نام‌های پُلینزی^{۲۷} و ملانزی^{۲۸} وجود دارد که در آنها اقوامی زندگی می‌کنند که دین ابتدایی دارند. در هر سه منطقه سخن از خدایان و نیروهای تأثیرگذار دیگر است و این امر باعث شده که ادیان این اقوام، شرک‌آلود باشد. با این حال سخن محققان این است که اعتقاد به موجودی برتر و متعالی در دو منطقه اول، اعتقاد غالب و رایج است؛ هرچند این باور در منطقه سوم کم‌رنگ‌تر است.

بومیان استرالیا عموماً به موجودی برتر و متعالی و شخص‌وار که بر همه موجودات فراطبیعی تفوق دارد، باور دارند؛ اگرچه درباره هویت این موجود متعالی، میان قبایل و مناطق گوناگون، اختلافاتی دیده می‌شود. در بیشتر مناطق، به‌ویژه جنوب شرق، این موجود متعالی، یک شخص مذکر است که در آسمان زندگی می‌کند و پدر همه موجودات است. این موجود که به صورتی انسان‌وار تصویر می‌شود، قدرت مطلق دارد و در آسمان زندگی می‌کند و هرچند همیشه می‌خواهد بر روی زمین زندگی کند، با این حال او زمین را به عللی ترک کرده و به آسمان رفته است.

در مناطق شمالی استرالیا این موجود متعالی، مذکر نیست و در آسمان زندگی نمی‌کند. او مؤنث و مادر همه موجودات است. این موجود، بیشتر با زمین و آب ارتباط دارد تا آسمان و اگرچه گاهی به‌صورت رنگین‌کمان در آسمان ظاهر می‌شود، اما معمولاً در آب سکنی دارد.^{۲۹}

۲۶. ریچارد ایردوز و آلفونسو اریتز، اسطوره‌ها و افسانه‌های سرخ‌پوستان آمریکا، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور (تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۸)، ۷۰-۷۱.

27. Polynesia.

28. Melanesia

29. Ken Maddock, "Australian Aboriginal Religion", in *The World's Religions*, ed. Stewart Sutherland (London: Routledge, 1991), 838; Brian Colless, "Religions of the Pacific", in *A New Handbook of living Religions*, ed. John R. Hinnells (Oxford: Blackwell publishers, 1997), 553.

بومیان استرالیا به ارواحی اعتقاد دارند که دستیاران و معاونان آن موجود متعالی هستند و اغلب، فرزندان او به حساب می‌آیند؛ اما با اینکه این ارواح متکثر، مورد توجه هستند و پرستیده می‌شوند، اما برخی محققان غربی به این باور رسیده‌اند که اعتقاد به یک موجود برتر و متعالی، یکی از جنبه‌های مشترک ادیان استرالیا است.^{۳۰}

بومیان استرالیا به یک عصر آرمانی در گذشته قائل‌اند که در آن خدایان بر روی زمین زندگی می‌کردند و شکل انسانی داشتند. آنان هر جا می‌رفتند مقداری از گوهر مقدس خود را بر جا می‌گذاشتند. این خدایان، اجداد انسان‌های امروزی را خلق کردند و به آنان امور لازم را آموختند. بعد از اینکه این خدایان بعد جسمانی خود را از دست دادند یا جزئی از فرهنگ یک واحد اجتماعی شدند یا به گونه دیگری تغییر یافتند، علائمی از خود به شکل تپه‌ها، صخره‌ها و امثال اینها به جای گذاشتند.^{۳۱}

همان‌طور که اشاره شد، آنان در واقع معاون و دستیار خدای برتر هستند. چنان‌که در اسطوره‌ای درباره خلقت آمده است: در روزگاران دوردست گذشته، روان تمامی جانداران در خوابی سنگین بود و آن، نخستین شب دراز جهان بود. تاریکی، آسمان و زمین را پر کرده بود... حتی مادر ما، خورشید بزرگ، نیز چشمان تابناکش را بسته، در میان آسمان به خواب رفته بود. تنها، پدر روان‌های عالم، بیدار بود. او آهسته در گوش خورشید خفته گفت: «برخیز دخترم، زیاد خوابیده‌ای!» مادر ما خورشید نفسی دراز برآورد و هوای پیرامونش را لرزشی ملایم فراگرفت. چشمانش را گشود و به چشمان «پدر روان‌های عالم» نگریست و گفت: «ای پدر بزرگوار! من آماده‌ام تا فرمان تو را گردن نهم». «پدر روان‌های عالم» به او گفت: «دخترم! برو بر زمین؛ روان‌هایی را که در آنجا، به زیر صخره‌ها و در میان غارهای تیره خفته‌اند، بیدار کن و بر آنان حیات بدم. زمین را از سبزه‌ها و گل‌ها و درخت‌ها بیوشان. حشرات و ماهیان و مرغان و جانوران گوناگون بیافرین». پس مادر ما، خورشید، به سوی زمین حرکت کرد و هر کجا می‌تایید حیات در آنجا شکوفا می‌شد... سرانجام مادر ما خورشید دو کودک به جهان آورد که یکی مرد خدایی بود و دیگری زن خدایی. پس دو کودک دیگر از آنها به وجود آمد. مادر ما خورشید این دو کودک را به زمین فرستاد که نخستین مرد و زن و نیاکان زمینی ما بودند. مادر ما خورشید به انسان‌ها گفت شما از تمامی این مخلوقات برترید، پس از شما می‌خواهم که تا روزی که بر زمین زندگی می‌کنید با هم با صلح و صفا

30. Maddock, *The World's Religions*, 838.

31. Eliade, *The Encyclopedia of Religion*, Vol. 1, 530-531.

معاشرت کنید. و چون مرگتان فرارسد دوباره روح خواهید شد و به آسمان می‌روید.^{۳۲} پس وجود خدایی برتر که خالق هستی است، در میان بومیان استرالیا باوری شایع است؛ هرچند آنان به خدایان پایین‌تر نیز اعتقاد دارند و اگرچه با زبان اسطوره درباره این خدای برتر سخن گفته‌اند.

در مجمع‌الجزایر پلینزی که در اقیانوس آرام و در شرق و شمال شرق قاره استرالیا واقع شده، وضع به همین منوال است. بومیان این جزایر نیز عموماً به خدایی برتر و متعالی که بالاتر از همه خدایان است و در واقع خالق آنان است، باور دارند. این خدا که به نام‌های زیادی خوانده می‌شود، جهان را از خلأ به وجود آورده است. به اعتقاد آنان منبع هستی، موجودی غیرمخلوق و وصف‌ناشدنی است که در خدای بزرگ تشخیص می‌یابد.^{۳۳}

بومیان این مجمع‌الجزایر به خدایان پرشماری که پایین‌تر از خدای برتر و واسطه هستند، اعتقاد دارند. به باور آنان این خدایان پایین‌تر هستند که تحت فرمان خدای برتر و متعالی، جهان را خلق و تدبیر می‌کنند.^{۳۴} در سرودی از مجمع‌الجزایر هاوایی، این خدای بزرگ که «تآروآ» نام دارد، چنین توصیف و ستایش شده است:

«او وجود داشت، «تآروآ» نام او بود؛ در عظمت. نه زمینی وجود داشت و نه آسمانی؛ نه دریایی وجود داشت و نه انسانی؛ در بالا، تآروآ صدا می‌زند. او که به‌تتهایی وجود داشت به جهان مبدل گردید. تآروآ سرچشمه است، سنگ‌ها اویند. تآروآ ماسه‌هاست. بدین‌سان آن است که او خوانده می‌شود. تآروآ نور است. تآروآ در درون است. تآروآ نطفه است. تآروآ باطن است. تآروآ ظاهر است. تآروآ حکمت است. او سرزمین هاوایی را خلق کرد؛ هاوایی بزرگ و مقدس؛ که به‌مثابه بدن یا اسکلت تآروآ است».^{۳۵}

در مجمع‌الجزایر ملانزی که در اقیانوس آرام و در شمال قاره استرالیا واقع شده است، وضع اندکی متفاوت است. در میان این اقوام سخن از خدای برتر و متعالی کمتر است و تأمل درباره هستی و منشأ آن در میان آنان کمتر دیده می‌شود. آنان بیشتر به خدایان خلاق که

۳۲. سهراب هادی، شناخت اسطوره‌های ملل (تهران: نشر تندیس، ۱۳۷۷)، ۴۳۵-۴۴۳.

33. Colless, *A New Handbook of living Religions*, 557; John Russell Hinnells (ed.), *A New Dictionary of Religions* (Hoboken: Blackwell, 1995), 38.

34. Colless, *A New Handbook of living Religions* 389 and 557.

35. Nigosian, *World Religions*, 169-170.

امورشان را اداره می‌کنند و وسیله معاش آنان را فراهم می‌کنند توجه دارند.^{۳۶}

در پایان این بخش باید نتیجه بگیریم که هرچند اعتقاد به خدای برتر و یگانه در مجمع‌الجزایر ملانزی یا کم‌رنگ است، اما در بین اکثریت قاطع پیروان ادیان ابتدایی، یعنی بومیان آفریقا، بومیان آمریکا، بومیان استرالیا و بومیان مجمع‌الجزایر پلینزی، اعتقاد غالب و رایج است.

۴. اعتقاد به خدای برتر، به‌مثابه امری مشترک و سرآغاز دین

همان‌طور که در ابتدای این نوشتار اشاره شد، در قرن نوزدهم، کسانی در غرب با جهان‌بینی حاکم بر عصر روشنگری که وجود ماورا و دخالت آن در طبیعت را برنمی‌تافت، سراغ مطالعه دین اقوام بدوی و ابتدایی رفتند تا منشائی طبیعی و زمینی برای دین پیدا کنند. آنان اموری ده‌گانه را مشترک در میان همه بومیان شمردند و هر یک از آنان یکی از این مشترکات را سرآغاز دین به حساب آورد. یکی سراغ آنیمیسم رفت و دیگری سراغ مانا و سومی سراغ سحر و جادو و... اما هیچ‌کدام از آنان به این اشاره نکرده‌اند که اعتقاد به یک خدای برتر، باور مشترک در میان بومیان است. همه آنان سیر تکاملی دین از شرک و شکلی ابتدایی به سوی توحید را به تصویر کشیدند؛ اما اگر باور به یک خدای برتر را به‌عنوان باوری مشترک نگاه می‌کردند، جریان به عکس می‌شد و لازم می‌آمد که سیر دین از توحید به شرک را نیز به‌عنوان یک نظریه مطرح کنند. آنان این امر مهم و روشن را نادیده گرفتند.

در همان زمانی که در فضای جهان‌بینی عصر روشنگری، عده زیادی منشأ دین را در طبیعت و زمین جست‌وجو می‌کردند و با این دید و هدف، ادیان ابتدایی را مورد مطالعه قرار می‌دادند، کشیش و انسان‌شناس کاتولیک، ویلهلم اشمیت^{۳۷} (۱۸۶۴-۱۹۴۵) با مطالعه ادیان اقوام ابتدایی موجود، به این نتیجه رسید که در میان آنان یک عقیده رواج دارد و آن اینکه خدایی بالاتر و برتر از خدایان متعددی که مورد توجه و پرستش هستند، وجود دارد. او که خالق جهان و پدر خدایان است، اکنون در اداره جهان نقشی اندک دارد. البته در برخی از اساطیر این اقوام آمده است که این خدای برتر و یگانه، بار دیگر بر اوضاع جهان سلطه خواهد یافت.

نتیجه‌ای که اشمیت از این امر گرفت این بود که در ابتدا انسان، خدای یگانه را می‌پرستید؛ اما چون پرستش خدای یگانه برای او مشکل بود، به‌تدریج به پرستش خدایان متعدد روی

36. Colless, *A New Handbook of living Religions*, 555; Hinnells, *A New Dictionary of Religions*, 307.

37 -Wilhelm Schmidth

آورد. اما بعدها ادیان پیشرفته، همان دین توحیدی اولیه را کشف کردند. بنابراین منشأ دین نه طبیعت و عالم مادی، بلکه عالم بالاست و سرچشمه آن، وحی و الهام است.^{۳۸}

اصل ادعای اشمیت را می‌توان با دین مشرکان حجاز زمان ظهور اسلام منطبق کرد. دین مشرکان حجاز، آن‌گونه که تاریخ و نیز متون اسلامی بیان کرده‌اند، شبیه ادیان ابتدایی موجود، بوده است. آنان بت می‌پرستیده‌اند و عقاید و اعمال عجیبی داشته‌اند. با این حال قرآن مجید در آیات متعددی سخن از این به میان می‌آورد که آنان خداوند متعال را خالق و مدبر جهان می‌دانسته‌اند:

«واگر از ایشان بپرسی: «چه کسی آسمان و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام کرده است؟» حتماً خواهند گفت: «الله». پس چگونه [از حق] بازگردانده می‌شوند؟... و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان، آبی فروفرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن زنده گردانیده است؟» حتماً خواهند گفت: «الله». بگو: «ستایش از آن خداست»؛ با این همه بیشترشان نمی‌اندیشند».^{۳۹}

بنابراین آنان خالق و مدبر جهان را الله می‌دانسته‌اند و در این تردیدی نداشته‌اند. اما چرا بت‌های دست‌ساز خود را می‌پرستیدند؟ اینها را تنها واسطه یا نزدیک‌کننده به خدا می‌انگاشتند.^{۴۰}

از متون اسلامی و نیز تورات موجود برمی‌آید که دین مردم حجاز، در اصل توحیدی بوده و به پیامبر بزرگ الهی، ابراهیم خلیل (ع) برمی‌گشته است. اگر دین مردم حجاز از دین توحیدی ابراهیم خلیل (ع) به دین شرک‌آلودی شبیه ادیان بومی آفریقا تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که در هر دو مورد با اینکه خدای برتر خالق را قبول داشته‌اند، اما مظاهر شرک نمایان بوده، پس ممکن است در آفریقا نیز همان چیزی رخ داده باشد که در حجاز رخ داده است.

آنچه در مطالعه ادیان ابتدایی رخ داده است این بوده که با تسامح تمام، مشترکاتی بین این ادیان پیدا کرده‌اند. با اندکی دقت و البته مسامحه ممکن است کسی حتی در میان پیروان ادیان پیشرفته باورهایی شبیه آنیمیسیم، فتیش پرستی، اعتقاد به مانا و... پیدا کند. اما مسئله بسیار مهم، این است که محققان غربی در رابطه با وجود باورهایی مثل باورهای فوق در همه ادیان

۳۸. اسمارت، تجربه دینی بشر، ۸۳؛

Hopfe, *Religions of the World*, 7-8; Smart, *The World's Religions*, 35.

۳۹. عنکبوت، ۶۱-۶۳؛ مقایسه کنید با لقمان، ۲۵؛ زمر، ۳۸؛ زحرف، ۹ و ۸۷.

۴۰. زمر، ۳.

ابتدایی با کمال تسامح برخورد کرده‌اند، اما رگه‌های یگانه‌پرستی و اعتقاد به خدای برتر را که به‌روشنی در میان عموم پیروان ادیان ابتدایی موجود بوده است، نادیده گرفته‌اند. آنچه درباره وجود باورهای توحیدی در میان اقوام ابتدایی در بخش قبلی این نوشتار نقل شد، همه مستند به نوشته‌های دانشمندان غربی بود. در آن بخش مشاهده کردیم که باور به وجود خدای برتر و یگانه در میان اقوام بومی و ابتدایی، بیش از هر باور دیگری شیوع داشته است. اما چرا این باور شایع، توسط عموم محققان غربی که در پی یافتن منشأ دین بوده‌اند، نادیده گرفته شده است؟ به نظر می‌رسد که آنان با یک جهان‌بینی و پیش‌فرض، مطالعه خود را آغاز کرده‌اند. اصل مسلم و قطعی آنان این بود که دین، منشائی زمینی دارد و با این باور قطعی در پی یافتنش بودند. وضعیت ادیان ابتدایی موجود نه‌تنها این را نشان نمی‌دهد که دین از یک امر زمینی و طبیعی و سطح پایین آغاز شده و تکامل یافته و به‌صورت ادیان پیشرفته درآمده، بلکه برعکس بیان می‌کند که دین از توحید آغاز شده ولی با نزول تمدن و فرهنگ، دین مردم هم سیر نزولی پیدا کرده است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در عصر روشنگری، بسیاری از اندیشمندان غربی به یک جهان‌بینی رسیدند که بر اصولی سه‌گانه مبتنی بود: حادثه‌ای ممکن‌الوقوع است که مشابه آن را مشاهده کرده باشیم؛ حوادث عالم با هم مرتبط‌اند و در یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند؛ جهان طبیعت، یک مجموعه خودکفاست و برای تبیین حوادث، نیاز به بیرون از خود ندارد. این اندیشمندان که به گمان خود مهم‌ترین کشف را انجام داده بودند، یعنی اینکه انسان با عقل نقاد خود و با متد علوم تجربی می‌تواند همه هستی‌ها و حوادث عالم را تبیین کند، سراغ دین به‌عنوان یک پدیده طبیعی رفته و تلاش کردند که منشأ دین را در زمین و طبیعت جست‌وجو کنند.

از آنجاکه در مناطقی از زمین انسان‌هایی بدوی و ابتدایی زندگی می‌کردند و دین ابتدایی داشتند، دانشمندانی که در پی یافتن منشأ زمینی دین بودند، دین این اقوام ابتدایی را برای این هدف مورد مطالعه قرار دادند؛ چون به گمان آنان دین این اقوام دست‌نخورده و به همان صورت ابتدایی باقی مانده بود. آنان تلاش کردند عناصر مشترک بین این ادیان را بیابند. این دانشمندان اموری مانند، آنیمیسم، مانا، فتیش، توتم، تابو و... را مشترکات ادیان ابتدایی اعلام کردند و هر گروهی یکی از این امور را منشأ دین اعلام کرد. جملگی آنان بر آن بودند که دین از شکلی ابتدایی و شرک‌آلود آغاز شده و به طور طبیعی تکامل یافته تا به شکل پیشرفته و

توحیدی کنونی درآمده است.

اما در همان زمان کشیشی انسان‌شناس به نام ویلهلم اشمیت، با مطالعه ادیان ابتدایی به این نتیجه رسید که نوعی اعتقاد به خدای برتر و یگانه در میان این اقوام شیوع دارد و بنابراین، برعکس همه، اعلام کرد که دین از یگانه‌پرستی آغاز شده و در برخی مناطق به تدریج شرک‌آلود شده است.

گزارش‌هایی که مردم‌شناسان غربی از مناطق مختلفی از جهان که در آنها انسان‌های ابتدایی زندگی می‌کردند، داده‌اند حاکی از آن است که اعتقاد به خدایی برتر که جهان و انسان را خلق کرده، باوری شایع و رایج است، هرچند این خدا در برخی از مناطق در کار جهان، مداخله نمی‌کند. این باور در میان بومیان آفریقا، آمریکا، استرالیا و مجمع‌الجزایر پلینزی بسیار پررنگ بوده و تنها در مجمع‌الجزایر ملانزی قدری کم‌رنگ‌تر بوده است. در واقع وضعیت ادیان ابتدایی موجود، مانند وضعیت مشرکان حجاز است که با اینکه دینشان در اصل به ابراهیم خلیل (ع) برمی‌گردد و از یگانه‌پرستی آغاز شده است و به همین جهت، به تعبیر قرآن مجید، آنان الله را خالق و مدبر جهان می‌دانسته‌اند، اما دین آنان سقوط کرده و به شرک‌آلوده شده است.

خطای محققان جدید در این بوده که با پیش‌فرض گرفتن یک جهان‌بینی خاص و طبیعت‌گرایانه، به مطالعه این ادیان پرداخته‌اند و در نتیجه تنها اموری را دیده‌اند که با پیش‌فرض‌های آنان منطبق است. گزارش‌هایی که غربیان، از ادیان ابتدایی موجود ارائه داده‌اند نه تنها نظریه این محققان را تأیید نمی‌کند، بلکه می‌توان از آنها عکس نظریه فوق را برداشت کرد.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

قرآن مجید.

اسمارت، نینیان. تجربه دینی بشر. جلد ۱، ترجمه مرتضی گودرزی. تهران: سمت، ۱۳۸۳.
ایردوز، ریچارد، و آلفونسو اریتر. اسطوره‌ها و افسانه‌های سرخ‌پوستان آمریکا. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۸.

پاریندر، جئوفری. اساطیر آفریقا. ترجمه باجلان فرخی. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴.
پالس، دانیل. هفت نظریه در باب دین. ترجمه محمدعزیز بختیاری. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.

دلرهاید، کنت. «ادیان بومی آمریکا» در: جهان مذهب. جلد ۱، ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

سروش، عبدالکریم. «سکولاریسم» در: سنت و سکولاریسم. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۱.

شاله، فیلیسین. تاریخ مختصر ادیان بزرگ. ترجمه دکتر منوچهر خدایار محبی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.

گات‌توشانو، ترسیلا. آمازون، اساطیر و افسانه‌ها. ترجمه سیروس شاملو. تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۷.

مجتهد شبستری، محمد. هرمنوتیک، کتاب و سنت. تهران: طرح نو، ۱۳۷۵.
ناجی، عظیم. «ادیان آفریقایی» در: جهان مذهب. جلد ۱، ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

ناس، جان بایر. تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی‌اصغر حکمت. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

هادی، سهراب. شناخت اسطوره‌های ملل. تهران: نشر تندیس، ۱۳۷۷.

ب- منابع لاتین:

Colless, brain. "Religions of the Pacific" in *A New Handbook of living Religions*. ed. John R. hinnells. London: Blackwell publishers, 1997.

Eliade, Mircea, ed. *The Encyclopedia of Religion*. Vol. 1 & 5, New York: Macmillan Publishing Company, 1987.

Hinnells, John Russell, ed. *A New Dictionary of Religions*. u.s.a: Blackwell, 1995.

Hopfe, Lewis Moore. *Religions of the World*. New York: Macmillan publishing Company, 1983.

Maddock, Ken. "Australian Aboriginal Religion" in *The World's Religions*. ed. Stewart Sutherland. , London: Routledge, 1991.

Nigosian, Slomon Alexander. *World Religions*. Bedford: ST. Martin's, 2000.

Nigosian, Solomon Alexander. *World Faiths*. Bedford: St. Martin's, 1994.

Smart, Ninian. *The World's Religions*. London: Cambridge university press, 1998.